



نهاد آموزشی، فرهنگ و کمک‌رسانی افغانستان مقیم انقره

خلاصه گزارش گفتمان هویت-زبان  
(امیر علیشیر نوایی و ظهیرالدین محمد بابر)

انجمن زبان و فرهنگ تورک‌های افغانستان (افغانستان تورک لری تیل و فرهنگ جمغرمه سی) و نهاد آموزشی، فرهنگی و امداد اجتماعی افغانستان مقیم انقره به تاریخ 1401/12/13 هـ ش مصادف با 2023/03/4 م کنفرانس علمی را تحت عنوان گفتمان هویت-زبان برگزار نمود. این کنفرانس رأس ساعت 08:00 بعد از ظهر آغاز و سخنران‌ها به ترتیب زیر ایراد سخن نمودند:

- سخنران بخش آغازین: در آغاز کنفرانس اکادمیسین پروفیسور عبدالحکیم شرعی جوزجانی پیرامون جایگاه و اهمیت ادبی بابر و نوایی صحبت و تأکید نمود که هر دوی آنها نقش بسیار مهم و حیاتی در راستای توسعه زبان و ادبیات ترکی ایفا نموده‌اند. آقای جوزجانی گفت: «حضرت نوایی همچون محمود الکاشغری یکی از بزرگان ادبیات ترکی بوده و در زمینه تثبیت جایگاه زبان ترکی در برابر زبان عربی و فارسی تلاش نموده است. البته حضرت نوایی به هیچ صورت مخالف زبان‌های فارسی و عربی نبود و حتی در توسعه آنها تلاش نموده است». همچنین آقای جوزجانی پیرامون آثار حضرت نوایی صحبت و اهمیت علمی هر یکی از آنها را برجسته نمود.

آقای جوزجانی در ادامه بحث خود پیرامون ابعاد حضرت نوایی بحث و تأکید نمود که: «نوایی حامی عدالت بود و همچون فارابی در راستای ایجاد جامعه ایدآل تأمل نموده است. حتی به شهزاده‌های تیموری پیشنهاد نمود که در راستای تحکیم عدالت کار کنند». سپس آقای جوزجانی، پیرامون شخصیت بابر بحث نموده و او را با جولیبو سیزار مقایسه نمود. او گفت: «در بعضی از ابعاد بابر دارای برجستگی‌های می‌باشد که سیزار فاقد آن است. طوریکه همه خصوصیات جولیبو سیزار در وجود بابر قابل مشاهده است اما برخی از خصوصیات بابر در وجود سیزار دیده نمی‌شود. بابر در کنار سیاستمدار بودن شاعر و مورخ بی بدیلی بود. بابر نخستین فردی بود که واژه افغانستان را به جهان معرفی نمود. بابر در کتاب بابر نامه می‌گوید که در مناطق جنوب کابل، سرزمینی به نام افغانستان موقعیت دارد و در آن افغان‌ها زندگی می‌کنند». در آخر آقای

جوزجانی پیرامون اهمیت آثار علمی بابر در شکل گیری نظام حقوقی و دولت بابری در هندوستان صحبت نموده و آثار بابر را در شناخت چپستی افغانستان تاریخی مهم توصیف نمود.

سخنران بخش آغازین: در ادامه بخش نخست کنفرانس، آقای دکتر محمد عالم لیبب پیرامون ابعاد مختلف حضرت نوایی صحبت نمود. او گفت: «حضرت نوایی در عرصه شعر هم سطح دانه، تولستوی، حافظ، فردوسی و سعدی می باشد. حتی حضرت نوایی دارای شایسته گی هایی بود که دیگران فاقد آن بودند. من باب مثال، حضرت نوایی همچون بسیاری از شعراء در امور اجتماعی و اداری منفعل نبوده و مدیر مدبر نیز بود». در ادامه آقای لیبب پیرامون مشکلات فعالیت های ادبی در افغانستان بحث نموده و گفت: «پس از سال 1980 فرصت نسبتاً مناسبی برای کارهای علمی ادبی فراهم شد. در اثر این تحولات نوایی شناسی در افغانستان کلید خورد. طوریکه برای نخستین بار در افغانستان جریده یولدوز ایجاد و سپس کتاب خمسه حضرت نوایی باز نشر گردید. همچنین برخی کتب دیگر چون دیوان ظهیر الدین محمد بابر نیز توسط اکادمی علوم افغانستان منتشر شد». در واقع، آقای لیبب این فعالیت ها را نمونه هایی از دستاوردهای اوزبیک های ساکن در افغانستان عنوان نمود.

- سخنران بخش آغازین: در ادامه کنفرانس آقای احمد حسین مرغی، پیرامون جایگاه ادبی نوایی و بابر صحبت نمود. آقای مرغی نخست پیرامون اهمیت تاریخی حضرت نوایی صحبت نموده و او را به عنوان رهبر رنسانس دوره تیموری توصیف نمود. به علاوه، به منظور برجسته سازی جایگاه ادبی نوایی در ادبیات ترکی، شعری از حضرت جامی را قرأت نموده و یادآوری نمود که حضرت نوایی در ادبیات فارسی نیز دست بالا داشت. آقای مرغی در ادامه گفت: «علی شیر نوایی شکایت نامه ای (در قالب شعر) را به سید حسن اردشیر نگاشته و ادعا نمود که در هنر شعر از نظامی برتر و بالاتر است». البته این شعر در اصل به زبان ترکی است اما آقای مرغی آنرا به طور موزون به زبان فارسی ترجمه و ارائه نمود:

من آنم که ترکی شعارش بود	و نظم سخن بر مدارش بود
ندیده فلک مثل من نادری	و مثل نظامی در نظم قادری
چه نظمی است که گر گویمت دردناک	که هر لفظ آن در نایاب و پاک
خدایم بداده چنان سرعتی	که در مشق شعرم نشد فرصتی
به فردوسی آن پهلوان ادب	که رستم جوابش دهد جان به لب
به غم یافت فرخنده شهنامه ای	شکست در جوابش هر آن خانه ای
مسلم شود گویی یا کار او	و در معرضش نیست کس وار او
که سی سال برده به شهنامه رنج	مگر شوق باشد بر این نظم گنج

وگر کاهل است طبع بی دولتی	شود لطف حق بر من قوتی
که شهنامه یا خمسه باشد به دست	که صد بیت حلوی روز من است
امیدم همین که شود فتح باب	به دستی رسانم که شود راهیاب
و سی سال آنرا نظامی سرود	و بازوی من تاب آن پنجه بود
که انجام یابد به بزم و جلال	به پیش من کار دو یا سه سال
نشانی بماند بهار مرا	خلایق ببینند کار مرا

آقای مرغی در تفسیر این شعر گفت که نوایی خود را هم سطح فردوسی و نظامی می‌داند.

- سخنران نخست: در ادامه دکتر عالیہ ییلماز پیرامون اهمیت برگزاری همایش‌های یادبود از مشاهیر ادبی و علمی ایراد سخن نمود. او نخست دلیل تأخیر در برگزاری این کنفرانس را زلزله اخیر در کشور ترکیه و کشته شدن صدها هموطن مهاجر ما عنوان نمود و سپس در مورد وضعیت جاری در افغانستان گفت: «در سرزمین آبیایی ما که زمانی نوای علی شیر، علم بایقرا، قامت گوهرشاد و پایه های سلطنت بابرشاه باعدالت و انصاف استوار بود، امروز زجه های یتیمان، فریاد بیوه زنان، ناله های اسرا طنین انداز است. درسرزمین شعر و فلسفه و حکمت، ندای دادخواهان حق و آزادی به خشن ترین شکلش در گلو خفه می‌شود، زمین‌ها و اموال شخصی مردم غصب و کشتزارهای پدری به یغما می‌رود، خانه‌های بیوه زنان تاراج می‌شود و در نتیجه‌ی تعصب و تحجر عمیق رژیم طالبانی، شگفت انگیز نیست دانه‌های نفاق، بدبینی و نفرت میان توده‌های جامعه کشت شود و فرهنگ از خودگذری، انسان دوستی و همدیگر پذیری که سده‌های طولانی به وسیله بزرگ مردان تاریخ ذرع شده بود، درو شود. زیرا امروز اسلام انتقادی افراطی جای تصوف و خوشبینی‌ها را پر کرده و فرهنگ تجددگرایی دستخوش عنعنات ناپسند قبیله گرایی گردیده است. روابط قانونمدار، مدنی و عدالت‌بنیاد فراموش شده، صدای شلاق و سنگسار به عنوان نشانه بیرحمی و جابری اذهان عامه را به گروگان گفته است».

دکتر ییلماز در زمینه بی‌پروایی مسوولین در برابر میراث علمی و مزار مشاهیر ترک افغانستان گفت: «اصلا گله مندیم از مسولینی که نه تنها خفه شدن صدای زبان نوایی و به یغما رفتن ایجادیات مدنی و فرهنگی ویرا به تماشا نشستند تا امروزحتی توجهی بر مزار غریبانه وی نکردند. آنهایی که سری به خاک علیشیرنوایی و دوست دوران طفولیتش سلطان حسین بایقرا زده اند می‌دانند که آرامگاه این دو صاحب سلطنت تورکان در هرات مخروبه ی بیش نیست. هراتی که نوایی این شهر را بیشتر از همه دوست میداشت و او را نگین دیار عدیم المثل خراسان قلمداد می‌کرد چنانچه درموردش می‌گوید:

شاهرا سوی جنت فردوس که جوید

## فانی به یقین دان که خیابان هرات ست

پس از قرأت این شعر دکتر ییلماز پیرامون جایگاه علمی و ادبی علی شیر نوایی و ظهیرالدین محمد بابر بحث نموده و هدف کنفرانس را ذیلاً بیان نمود: «هدف از تدویر برنامه کنونی را نیز بازخوانی اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دو متفکر برجسته تشکیل می‌دهد. بدون شک انسان همواره به گذشته تاریخی خود تعلق دارد و به آن می‌اندیشد و احساس بودن بخش عظیمی از خودآگاهی فردی و اجتماعی یک جامعه را در طول تاریخ شکل داده است. خودآگاهی تاریخی و تعلق خاطر به گذشته، عرصه را می‌گشاید که در آن انسان همواره در گفتگو با گذشته‌ی تاریخی خویش است و انسان امروزی از طریق این گفتگو به بازیابی و درک جایگاه خود دست می‌یابد. با تمسک به اندیشه‌های کاربردی شخصیت‌های برجسته‌ی تاریخی چون نوایی و بابر؛ مقوله‌ی هویت که یکی از مباحث پیچیده است و فقط از طریق گسترش دانش یعنی خودآگاهی افراد از کیستی جمعی، خود به منظور پاسخ به پرسش‌های مطرح شده در طی زمان را ممکن می‌سازد. تحلیل اوضاع کنونی، تشخیص نقاط قوت و ضعف، فرصت و تهدیدات فقط با بازخوانی و بازتعریف مفاهیم سیاسی اساطیر تاریخی ممکن به نظر می‌رسد. روی همین ملحوظ است که مناسبت‌های مهمی تاریخی برای بازیابی هویت و تثبیت جایگاه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها تجلیل شود و نسل‌های امروزی ما تعلق خاطر به آثار و میراث‌های تاریخی شان را به عنوان سنت حسنه حفظ و در عین حال با قرائت جدید از روایت‌های تاریخی مسیر امروز و فردای خود را ترسیم نمایند. امید می‌رود که در ختم این برنامه، اهداف از قبل تعیین شده که همانا بازتعریف مفاهیم هویت ملی و مولفه‌های آن، پالیسی‌های ترویج و تقویت قدرت نرم (مسامحه و انعطاف‌پذیری)، بازخوانی و قرائت جدید از مفاهیم سیاسی، روایت‌های تاریخی سیستم اداری و بوروکراتیک و در فرجام نیز تحلیل وضعیت کنونی، تشخیص آینده مطلوب و راه‌های تامین مشارکت معنی‌دار در اقتدار سیاسی می‌باشد، در اثر سعی و تلاش سخن‌رانان بزرگوار برنامه در بعد تئوریک بدست آید».

- سخنران دوم: در ادامه کنفرانس محترم دکتر میروس بلخی وزیر اسبق معارف پیرامون بابر و هویت ملی (حافظه تاریخی فراگیر در روند ملت سازی افغانستان) بحث نمود. او گفت: «پرداختن به نمادهای تاریخی و مشترکات اقوام در داخل افغانستان منجر به گفتگوی میان قومی می‌شود تا حافظه تاریخی مشترک، درد مشترک، مصایب مشترک و ... را بازخوانی و در نتیجه ی آن از روایت‌های انحصارگرایانه، نفی و از گسست تاریخی جلوگیری نماییم. گسست تاریخی و بریدن از حافظه تاریخی روند قراردادهای دولت ملت را صدمه می‌زند. من می‌خواهم در مورد نقش ظهیرالدین محمد بابر در دولت ملت امروز افغانستان و در چارچوب گفتگوی میان قومی بحث کنم. بابر در واقع مشروعیت بخش است؛ شاخص‌های حافظه تاریخی که مصداق شعر خلیلی در واقع درد و غم که در طول زمان به صورت مشترک باهم تجربه می‌کنیم ریشه در تاریخ این سرزمین دارد. اگر این مصداق‌های

مشترک خود را فراموش کنیم هر کدام ما به سمت جدا کردن این شاخص‌های می‌رویم. باور دارم دولت ملت افغانستان در گونه‌شناسی در دولت‌های ملی مدرن یک دولت میراث خوار است یا قایم‌قام یا جانشین». او در ادامه در زمینه اهمیت میراث تمدنی از دوره بابر و نوایی گفت: هر تحلیل که انجام می‌دهیم مبتنی بر پیش فرض‌های برخاسته از تمدن تاریخی ما باشد. چرا که مانند دیگر کشورها نیستیم که از حوزه یک تمدن جدا شده باشیم و با حافظه تاریخی خود خداحافظی کنیم. نمونه برجسته کشورهای جدا شده از حوزه تمدنی پاکستان می‌باشد و تلاش دارد تا با هویت و حافظه تاریخی خود خداحافظی کند. اما در مقابل ما نمی‌توانیم با گذشته خود خداحافظی کنیم». همچنین آقای بلخی پیرامون ادبیات فاخر فرهنگ و تعاملات بین القومی بحث نموده و تأکید نمود که باید از آنها در مناسبات قدرت در افغانستان خود استفاده کنیم.

- سخنران سوم: آقای سید مبین هاشمی به عنوان یکی از سخنران‌های این کنفرانس پیرامون انعطاف پذیری مذهبی نوایی و بابر بحث نموده و در این راستا نخست بافت اجتماعی و دینی هرات عصر تیموری را تحلیل و بررسی نمود. او گفت: «قبل از ورود دین مبین اسلام، بخشی از جامعه هرات زرتشتی و بخش دیگر یهودی بود. در سال 31 هـ ق مردم هرات به دین اسلام رو آوردند. اما بعدها در دوره صفوی مذهب رسمی مردم هرات، مذهب شیعه اعلان شد و آن بعدها باعث منازعات مذهبی سنی و شیعه گردید. در مقابل پس از ورود تیموریان به شهر هرات مذهب رسمی سنی-حنفی اعلان و اهل تشیع مورد آزار و اذیت قرار گرفت». در ادامه آقای هاشمی تأکید نمود که دوره تیموریان با قوانین اسلامی اداره می‌شد و حتی در اوایل تسامع و تساهل مذهبی نیز وجود نداشت. حتی پیروان سایر مذاهب اجازه فعالیت نیز نداشتند.

آقای هاشمی در ادامه سخنان خود گفت: «نوایی از منظر دین مسلمان بود. اما در باب مذهب نوایی بعضی‌ها می‌گویند که او سنی و بعضی دیگر می‌گویند که او شیعه بود. اما به نظر می‌رسد که نوایی مسلمان سنی حنفی بود و به تصوف احترام خاص داشت. در واقع تساهل و مدارا در برابر پیروان سایر مذاهب در عصر نوایی آغاز شد. مثلاً حافظ ابرو در مورد هرات می‌گوید که در نتیجه تسامع و تساهل نوایی هرات مجمع ارباب یقین و مرکز اهل تقوی شده بود».

آقای هاشمی در بخش دیگر از سخنان خود پیرامون تساهل مذهبی در دوره بابر بحث نموده و چنین گفت: «بابر به لحاظ مذهبی مسلمان و حنفی بود. او در کنار شعر و ادب، آنقدر در مسایل مذهبی مسلط بود که بسیاری او را از جمله مجتهدین حنفی یاد می‌کنند». در ادامه آقای هاشمی، پیرامون خشونت‌های حاکم در هندوستان بحث نموده و نقش بابر را در آوردن صلح اجتماعی-دینی در هندوستان برجسته نمود. در آخر آقای هاشمی پیرامون آثار حضرت نوایی و بابر بحث نموده و اهمیت علمی آنها را برجسته کرد.

- سخنران چهارم: در ادامه کنفرانس محترم داوود ناجی، پیرامون ترویج و تقویت مولفه‌های هویت ملی بحث نمود. او بحث خود را با طرح این پرسش‌ها آغاز نمود: «چرا مهم است که مآچهره‌های تاریخی تاثیر گذار مانند نوایی و بابر را تجلیل کنیم؟ چرا طالبان می‌آیند مجسه نوایی را از بین می‌برند؟ این حرکت حاوی چه پیامی هست؟» سپس آقای ناجی به پای تحلیل سوالات خود نشسته و گفت: «تمام ملت‌ها کوشش می‌کنند در روند توسعه شان با گسست تمدنی مواجه نشوند زیرا؛ گسست تمدنی فاجعه بار هست. فعلا در افغانستان کسانی به قدرت رسیدند که احساس و فهم تاریخی ندارند. از زبان تا هر ارزشی دیگری را از بین می‌برند. اگر دقت نکنیم و برای نسل‌های بعدی منتقل نسازیم در واقع با یک نابودی تمام عیار مواجه می‌شویم. کارهای ارزشمندی را نوایی در بخش ادبیات و زبان انجام داده هست که استادان بزرگوار به شکلی بررسی کرده اند که من تماس نمی‌گیرم. بحث من متمرکز بر بعد حیات سیاسی نوایی و بابر خواهد بود که هر دو به عنوان سیاستمداران بادرک و تدبیر یادگاری‌های فراموش ناشدنی را برای نسل‌های امروز خود بجا گذاشته اند. مدارا، کثرت گرایی و تحمل در واقع مشخصات است که در دوره این دو می‌توانیم ببینیم. ترک زبانان هرات بزرگترین خدمت را به زبان فارسی کرده اند. خود نوایی شاعر دو زبانه هست. در هند هم عینا همین منوال است. در زمینه توضیح چگونگی تساهل مذهبی در دوره بابر و نوایی آثار ملا واعظ کاشفی منابع جدی و موثق تلقی می‌شود. روضه که پیروان مذهب تشیع در مناسبت‌های مذهبی می‌خوانند از کتاب ملا کاشفی (روضت الجنان) آمده است؛ علی رغم اینکه کاشفی شیعه نبوده اما این کتاب را نوشته است. چیزیکه امروزه به شدت نیاز داریم تا بدان مراجعه کنیم. بحث زنان در هرات و تمدن بابری برجسته ترین چهره‌ها را می‌بینید که بی‌نظیر اند. گوهرشاد و گلبدن بیگیم. اعمار مساجد و بناهای بنام زنان ساخته شده هست. مسجد بنام گرهرشاد و تاج محل. این ذهنیت ترک زبانان ما هست که اگر فرصت در سیاست امروز ما پیدا کنند، چقدر فرهنگ و تاریخ و نگرش تکثرگرایانه را وارد سیاست و فرهنگ ما می‌نمایند. چون پس منظر تاریخی و تمدنی دارند». در ادامه آقای ناجی یادآوری نمود که خودش دوره حاکمیت یک ترک در دانشگاه بلخ درس خوانده است و تأکید نمود که دوره حاکمیت یک ترک در شمال افغانستان همه مراکز آموزشی به روی زن و مرد باز بود. او در ادامه صحبت‌های خود گفت: «حتی ریس جمهور که قدرت را تقسیم نکرده بود جایی برایش در بلخ مهیا شد که این امر تصادفی نیست! این در واقع مظهر سعه صدر و پس منظر تاریخی مردی را بیان می‌کند که میراث دار نوایی و بابر بود. وقتی ملتی در گسست تاریخی واقع می‌شود فاجعه امروزی را بار می‌آورد که عملا مردم افغانستان تجربه می‌کنند. منطق حذف کارساز نیست. تحمل و انعطاف پذیری می‌تواند حلال مشکلات باشد. بابر یک نویسنده خوب هست و از هر لحظه تاریخی می‌نویسد. فرهنگ هندوستان مرهون احسان بابر هست. حوزه تمدنی هندوستان امروزه در واقع میراث بابر می‌باشد. بازخوانی اندیشه‌های بزرگمردان وظیفه و مسولیت ماست تا به گسست تاریخی مواجه نشویم. سیاست معطوف به فرهنگ،

نگرش به قدرت برای ایجاد تغییر معنی‌دار اجتماعی است نه اعمال زور! در تمدن تیموریان ما شاهد رشد انواع رشته‌های علوم معاصر هستیم. مسئولیت ماست تا بازخوانی نظریات آنها را با تمامی ابعاد و متناسب به نیازهای روز انجام دهیم».

- سخنران پنجم: در ادامه کنفرانس آقای نصرت الله نبیل رحیمی کاندیدای دکتری حقوق عامه پیرامون بازخوانی سیستم اداری و عرضه خدمات در دوره بابر و نوایی صحبت نمود. ایشان سیستم اداری دوره بابر و دوره نوایی را در ذیل سیستم اداری تیموریان قرار داده و یادآوری نمود که در آن زمان، سنت‌های خاصی در امر حکومت داری نیز حاکم بود. من باب مثال نوایی یک شبه وزیر نشد و قبل از احراز سمت وزارت، مسوول مهر دربار بود. این موضوع به خوبی می‌رساند که در دوره نوایی برای وزیر شدن تجربه کار در دربار پیش شرط تلقی می‌شد. در ادامه آقای نبیل گفت: «سنت اداری دیگر در دوره نوایی اجرای عدالت و دادرسی شبه قضایی توسط مأموران دولتی بود. من باب مثال در شورش مالیات در هرات (1470)، نوایی بخاطر اجرای عدالت مأمور گردید». سپس آقای نبیل پیرامون دوره بابر صحبت و تأکید نمود که بابر نماد واقعی فیلسوف شاه افلاطون است. بابر از یک سو در رأس قدرت قرار داشت و از سوی دیگر دانشمند و ادیب بود. هرچند او به دلیل درگیری‌های نظامی مداوم در زمینه ایجاد نظام اداری فرصت نکرد. اما امپراتوری بزرگی را به میراث گذاشت که بعدها شهزاده‌های بابر با ایجاد سیستم اداری آنرا کامل نمود. همایون و جلال الدین اکبر مهمترین نوادگان بابر بود که در زمینه ارائه خدمات اجتماعی و ایجاد سیستم اداری مطلوب تلاش نمود. روی همین دلیل است که برخی از پژوهشگران هندی تلاش نموده اند که مفهوم دولت رفاه را در سیاست جلال الدین اکبر جستجو کنند.

- سخنران ششم: در ادامه کنفرانس آقای محمدی پیرامون قرأت جدید از سیاست بابر و نوایی صحبت و تأکید نمود که: «نکاتی در سبک حکومتداری بابر و نوایی وجود دارد که در عصر حاضر می‌تواند برای ما ممد واقع شود. هرچند سیاست در جهان مدرن بسیار متفاوت بوده و با جهان سنت تفاوت‌هایی دارد. اما مواردی چون نگرش انسان‌گرایان، ارجحیت مدنیت در برابر بدونیت، ترجیح منافع عمومی و به رسمیت شناختن جامعه متکثر الگوهای مهم حکومت داری دوره نوایی و بابر می‌باشند. در کنار اینکه نوایی یک سیاست مدار بسیار زیرک بود منافع عمومی برایش ارجحیت داشت و مهم بود. همه دغدغه او ارائه خدمات به جامعه و رفاه عمومی بود. به علاوه قدرت در دوران او تا حد ممکن غیر متمرکز شده و استفاده از قدرت سخت به حداقل رسیده بود. به همین دلیل است که نوایی بیشتر از آنکه یک رهبر اقتدار گرا باشد یک رهبر کاریزما بود». در واقع نوایی کسی است که با استفاده از نفوذ معنوی خود توانست که به اهداف بزرگی در سپهر سیاست دست یابد. آقای محمدی در ادامه صحبت‌های خود یادآوری نمود که نوایی رابطه بین علم و قدرت را تعریف نموده بود. سپس آقای محمدی پیرامون رابطه دولت و دین در دوره نوایی گفت: «در سیاست‌های نوایی شاهد یک نوع سیکولاریسم

بودیم، طوریکه دین در امتداد منافع مردم قابل تعریف بود. در واقع دین در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی استفاده شد. ما در عصر حاضر به الگوهای مثبت نیاز داریم تا بتوانیم نظام سیاسی موثر و رهبریت کارآمد تعریف کنیم. اگر دقت شود، تجربه تاریخی تیموریان ظرفیت ارائه این الگوها را دارند».

- سخنران هفتم: در ادامه کنفرانس، آقای عبدالله فیض کاندیدای دکتری در رشته اداره عامه پیرامون ترسیم نقشه راه حصول قدرت سیاسی (مدل نوایی و بابر) بحث نمود. او در این زمینه گفت: «بدون شک موجودیت تحولات آنی و غیر قابل انتظار، گاهی نقطه‌ی عطفی در تاریخ مبارزات سیاسی گروه‌ها و جنبش‌ها بوده هست؛ سیر تاریخی حوادث و عدم شکل‌گیری نهادهای ارزش محور، زیر ساخت‌های اجتماعی-فرهنگی کشور ما را به شکلی کلی تخریب و زمینه‌ی ظهور و رشد انواع از تفکرات سیاسی ملهم از مکاتب فکری حاکم در برهه‌های مشخصی تاریخی را فراهم آورد. مرور حد اقل صد سال اخیر تاریخ معاصر کشور که شاهد تجربه انواع نظام‌های سیاسی از شاهی مطلقه تا مشروطه، جمهوریت دیکتاتوری، رژیم‌های با گرایش چپی (سوسیالیستی-کمونیستی)، دولت اسلامی، امارت نخست طالبانی، جمهوریت دموکراتیک و حالا هم تکرار تاریخ و بن بست در تجربه مجدد از امارت اسلامی، می‌باشد. آنچه در گیر و دار تحولات سیاسی-نظامی و عدم شکل‌گیری نهادهای فراگیر سیاسی و اقتصادی شدند، ناشی از عواملی بودند که گروه‌ها و جریان‌های متعددی در مقاطع مختلف از تاریخ با برنامه‌های سطحی و عدم شناخت دقیق از کاستی‌های بنیادین، راه‌های پرخم و پیچی را برای گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب پیموده اند».

آقای فیض در ادامه صحبت‌های خود پیرامون نقش و تأثیر روشنفکران بحث نموده و گفت: «قشر روشنگر جامعه ما رسالت و مسئولیت دارند تا با آموختن از تجارب تلخ تاریخ معاصر کشور، برای تبیین وضعیت موجود، چالش‌ها و مشکلات فرا راه رسیدن به عدالت در توزیع منابع قدرت و ثروت را با اتکاء به اندیشه‌ی عدالت محور و منعطف دولت‌مردان تاریخ از جمله امیرعلیشیرنویسی و سلطان ظهیرالدین محمد بابر جستجو و در نتیجه‌ی بازتعریف مفاهیم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، شاخص‌های وضعیت مطلوب را تشخیص و نقشه‌ی راهی عبور از بحران را نیز ترسیم نمایند. برای رسیدن به این مامول ما نیازمند بازتعریف سه نظم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هستیم که با تدوین استراتژی‌های منطبق با واقعیت‌های عینی و ذهنی جامعه از تکرار تاریخ و گردش چرخه‌ی منازعه در افغانستان جلوگیری کرده باشیم. امروزه الگوی رفتاری دو فرزانه تاریخی ما، راه‌های چگونگی تعریف نظم فرهنگی برای خلق روایت را بخوبی رهنمون شده اند تا با شناخت دقیق از بازیگران و ذینفعان در قضایای سیاسی-نظامی، اقتصادی و فرهنگی، زمینه‌ی تحلیل وضعیت و تشخیص مسائل به شکل مستقیم برنحوی بکارگیری آرمان‌های کشفی و تحقیقی بر می‌گردد را در نظر داشته باشیم که بزرگان سیاسی ما در زمان حاکمیت خود، بر این امر مهم واقف بوده اند و همچنین برماست که در تعریف نظم فرهنگی، نزاکت‌های ارزشی و



مجادله‌ی بقا محور را به دقت مورد بررسی قرار دهیم. نظریات و اقدامات نوایی و بابر در مورد نحوه‌ی مدیریت و استفاده از تساهل مذهبی، راه‌های ایجاد تقرب آنها و اهتمام به ترویج و تقویت ارزش‌های فرهنگی از جمله جلوگیری از آسیمیله شدن زبان چغتایی به عنوان دال مرکزی گفتمان هویت، مفاهیم اساسی و راهگشای بخش عمده‌ی از بحران هویت در عصر انسان‌های رهاشده در فضا می‌باشد. لذا با تکیه بر داشته‌های تاریخی و بازتعریف مفاهیم سیاسی می‌شود که نظم فرهنگی را به قول مدیسون که کارکرد تولید حقیقت یا همان روایت را داراست، ترسیم و گام‌های عملی روایتی مبتنی بر ارزش‌های ماندگار را برداشت. نظم سیاسی که در واقع منابع موجود را برای تحقق آن می‌شود مایه گذاری کرد، همانا کارکرد اجرای عدالت است. یعنی بعد از خلق روایت، تمامی منابع موجود (سرمایه‌های اجتماعی، فزیک و انسانی) متمرکز بر تعریف نظم سیاسی می‌گردد. تامین عدالت در توزیع منابع قدرت یکی از بنیادی‌ترین مسایل موجود در سطح دنیا به ویژه کشورهای مشرق زمین می‌باشد. بازتعریف ساختار سیاسی نظام، کار روی تعریف میکانیزم واضح و شفاف جهت اعمال قدرت و جلوگیری از انحصار آن، تقسیم عادلانه قدرت و اتخاذ تصمیم در لایه‌های مختلف جامعه و عدم تمرکز گرایی، مشارکت عمومی در تدوین پالیسی‌ها و اجرای آن به سطح ملی و محلی از جمله مباحث عمده و اساسی برای تعریف نظم سیاسی می‌باشد. سومین نظم که بعد از خلق روایت و تعریف شاخص‌های تامین عدالت در توزیع منابع قدرت از اهمیت حیاتی برخوردار است؛ همانا تعریف نظم اقتصادی بوده که هدف غایی آنرا ایجاد رفاه برای شهروندان تشکیل می‌دهد. سیستم سیاسی تعریف شده در نظم سیاسی باید زمینه‌ی شکل‌گیری نهادهای فراگیری اقتصادی را فراهم آورد تا منابع ثروت در کشور به شکل عادلانه در میان شهروندان توزیع گردد. شکل‌گیری چنین نهادهایی می‌توانند زمینه‌ی تحرک جامعه‌ی مدنی و سکتور خصوصی را مساعد و جامعه را از حالت واکنشی به کنشگر فعال مبدل سازد تا در آخر روز تغییرات مثبت در زندگی احاد مردم ایجاد و رفاه شهروندان امکان پذیر گردد».

کنفرانس پس از پاسخ به سوالات و جمع بندی توسط اکادمیسین شرعی جوزجانی با دعای خیر به پایان رسید.